

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و پنجم، شماره پیاپی ۹۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۱-۱۰۹

نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم* (با تکیه بر وقفنامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی)

اسدالله نیک مهر / دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۱
دکتر هادی وکیلی / دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد^۲

چکیده

وقف و مسایل مربوط به آن سابقه‌ای دیرینه در تاریخ شهر مشهد دارد و به اشکال گوناگون در دوره های مختلف تاریخی ادامه داشته است. اوج گسترش موقوفات در مشهد در دوره صفوی می باشد که این روند در تاریخ ایران بی نظیر بوده است. وقف در مشهد دوره پهلوی همچنان ادامه داشته است و البته این پدیده تا حد زیادی استمرار سنتی تاریخی بود که از زمان های دور در این شهر وجود داشته است. با توجه به اینکه موقوفات در بیشتر سلسله ها تابع سیاست های حکومت مرکزی بود، در رژیم پهلوی نیز این روند ادامه داشت. از طرف دیگر با توجه به برخی اقدامات ضد مذهب حکومت پهلوی تغییراتی نیز در روند موقوفات اتفاق افتاد؛ بطوری که در برهه ای از زمان موقوفات کاهش و در برخی مواقع، افزایش داشت که این مورد اهمیت موضوع را بیشتر نمایان می کند. مقاله حاضر برآنست با تکیه بر اسناد و وقفنامه های اداره اوقاف و آستان قدس رضوی، پراکندگی موقوفات و نوع نیت واقفان این دوره را مشخص کند و با تحلیل محتوایی و آماری، تصویری روشن از وضعیت وقف در این دوره ارائه دهد.

کلید واژه ها: وقف، مشهد، پهلوی، اداره اوقاف، آستان قدس.

* تاریخ وصوله ۱۳۹۱/۱۲/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۳/۰۵/۱۴

1. Email: asad.nikmehr@gmail.com

2. Email: vakili355@yahoo.com

مدخل

وقف یکی از سنت های مهم اقتصادی و اجتماعی اسلام بوده است. هرچند پدیده وقف در اکثر جوامع بشری و از جمله به نوعی در ایران باستان نیز وجود داشته است، ولی تأکیدات خاص اسلام در این زمینه منجر به گسترش بسیار این پدیده در جهان اسلام گردید. یکی از قلمروهای فعال وقف، عرصه تاریخ ایران بعد از اسلام بوده که کارکردهای متنوع مذهبی، فرهنگی و اجتماعی داشته است. روندوقف در سلسله های ایران بعد از اسلام با فراز و فرودهایی ادامه یافته است تا به دوره پهلوی رسیده است.

نسبت نزدیک بین گرایش به وقف و باورها و مناسک مذهبی موجب آن شده است که به گونه ای طبیعی و قابل درک، میزان وقف در مناطق، شهرها و اماکن مذهبی بیشتر باشد. این قاعده شامل شهر مشهد نیز می شود. موقوفات شهر مشهد سابقه ای بس دیرینه دارد و بویژه در عصر صفوی به اوج خود می رسد و در دوره های بعد از جمله در دوره پهلوی - برغم برخی فراز و فرودها - نیز استمرار می یابد. با توجه به اهمیت دینی موقوفات و اقداماتی که در برابر شعائر دینی در این دوره صورت گرفت، توجه به اینکه سیاست های حکومت چه تاثیری بر روند موقوفات داشته است یکی از مهمترین اهداف این تحقیق به شمار می رود. از طرف دیگر نشان دادن تنوع واقفان، رقبه های وقفی و نیت آنان یکی دیگر از اهداف این تحقیق است.

با توجه به اینکه بیشتر موقوفات ثبت شده مشهد یا مربوط به اداره اوقاف یا آستان قدس است، بیشترین تحقیق و تحلیل آماری و محتوایی موقوفات مشهد در دوره پهلوی بر روی وقفنامه های این دو اداره متمرکز شده است. برای تحلیل اطلاعات مربوط به وقفنامه ها، تمام وقفنامه های اداره اوقاف و آستان قدس که مربوط به این دوره بوده است، استخراج و بر اساس سال دسته بندی و سپس در جدول هایی آورده شد. در این جداول علاوه بر نام واقف، رقبه، مصرف موقوفه، سال وقف و شماره کلاسه هر وقفنامه دسته بندی شد. در ادامه جدول های پراکندگی و درصد موقوفات اداره اوقاف، آستان قدس و موقوفات زنان بر اساس نوع رقبات وقفی و نیت واقفان بررسی شده و در نهایت پراکندگی هر کدام از آنها در جدول های پراکندگی ترسیم شده است.

بخاطر حساسیتی که درباره موضوع وقف وجود دارد، مانند سوء استفاده از متن وقفنامه ها و جعل آنها، بعضی از این سازمانها و مراکز، اطلاعات بسیار اندکی را در اختیار نویسنده قرار

دادند. یکی از این مراکز، آستان قدس رضوی بود که با استناد به نامه ای از مدیریت آستان قدس درباره موقوفات، نتوانستند وقفنامه ای را در دسترس نویسنده قرار دهند. آنها بعد از نامه نگاریها و رایزنی های فراوان، فقط دفتر کلی موقوفات را در اختیار نویسنده قرار دادند.

در مورد وقف در مشهد عصر پهلوی، کتاب ها و منابع زیادی وجود ندارد و منابعی هم که در این زمینه به مطالعه پرداخته اند، بطور بسیار گذرا به مسئله چگونگی وقف و نحوه تقسیم عایدات وقف و سایر مسائل فقهی و حقوقی آن پرداخته اند. یکی از مهمترین منابع در زمینه وقف فصلنامه وقف، میراث جاویدان است. در این فصلنامه که توسط اداره اوقاف و امور خیریه انتشار می یابد، اطلاعات جسته و گریخته ای درباره این کار یافت می شود، مانند مقالاتی در مورد موقوفات عبدالله رضوی و حاج حسین آقا ملک و یا مقالاتی در مورد موقوفه خواری و مقالاتی از این دست. درباره وقف در دوران پهلوی بطور خلاصه مطالبی نیز در کتاب های وقف در ایران از مینودخت مصطفوی رجایی، کتاب مقدمه ای بر فرهنگ وقف از احمد صادقی گلدر و همچنین مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی که از انتشارات سازمان اوقاف است، یافت می شود.

در زمینه وقف در مشهد، کتاب مشهد در بامداد نهضت امام خمینی از غلامرضا جلالی موجود است که بیشتر اطلاعات در زمینه تاثیر اصلاحات ارضی بر اراضی موقوفه از آن کتاب گرفته شده است. کتاب مسجد و موقوفات گوهرشاد از مهدی سیدی در زمینه موقوفات مسجد گوهرشاد مفید واقع شد. چون وی تمام موقوفات مسجد گوهرشاد را از ابتدا مورد بررسی قرار داده است؛ بیشتر اطلاعات در زمینه موقوفات مسجد گوهرشاد از آن اقتباس شده است. کتاب نگاهی به وقف و آثار اجتماعی و اقتصادی آن از مصطفی سلیمی فر در زمینه پیشینه وقف بسیار موثر بود. درباره محمدولی خان اسدی پایان نامه علی سوزنجی، پژوهشگر مرکز اسناد آستان قدس، بسیار مفید واقع شد. علاوه بر این می توان به کتاب خاطرات محمدعلی شوشتری هم اشاره کرد. این کتاب که خاطرات خفیه نویس رضاشاه است، اطلاعات فراوانی درباره اقدامات اسدی در امور آستانه و نقش او در جریان قیام گوهرشاد دارد. سایت اینترنتی آستان قدس با عنوان <http://www.aqrazavi.org> نیز مفید واقع شد. در زمینه مدارس وقفی در دوره پهلوی مهمترین منبع را می توان پایان نامه خانم پوراندخت شکوه صارمی یاد کرد. وی در این کار تمامی مدارس مشهد از جمله مدارس وقفی را از سال

۱۲۹۴ تا سال ۱۳۴۰ش آورده و روند مدیران و برنامه های آنها را نیز بررسی کرده است. درباره موقوفات اداره اوقاف مشهد، مجموعه کتاب هشت جلدی به نام پژوهشی در موقوفات/ اداره اوقاف و امور خیریه مشهد بسیار مفید بود. هم چنین دو نسخه از اساسنامه اداره اوقاف که در بخش مخطوطات آستان قدس موجود است، در خصوص سیر قوانین اداره اوقاف موثر واقع شد.

سازمان وقف در دوره پهلوی

پس از تاسیس اداره اوقاف و صنایع مستظرفه در دوران مشروطه، این نهاد تحولات و دگرگونی هایی را در طول دوران قاجار به خود دید تا اینکه ادامه این تحولات به دوره پهلوی رسید. رضاشاهدر راستای محدود کردن جایگاه مذهب و روحانیت در جامعه، در اوقاف دخالت کرد (بصیرت منش، ۶۲). چون یکی از منابع قدرت مالی و استقلال علما از این طریق بود، رضا شاه برای محروم کردن علما از این استقلال مالی و قطع درآمد آنها و در نتیجه کاستن قدرت آنها، برنامه ها و قوانینی ارائه کرد تا دخالت و کنترل حکومت را در فرایند اداری وقف بیشتر کند. تصویب قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ش برای اداره امور وقف توسط دولت، قدرت تصمیم گیری وسیعی را به دولت تفویض می کرد (ریاحی سامانی، ۲۰۳).

حسین مکی در مورد تاراج موقوفات توسط رضاشاه آورده است: «سومین کسی که در اموال وقف تصرف نمود، رضاشاه بود. وی دستور داد که در مورد تصرف املاک موقوفه قانونی را از مجلس بگذرانند. در مورد املاک موقوفه بسیار اتفاق می افتاد که بین دو ده از املاک رضاشاه، یک قریه وقفی وجود داشته باشد. او نمی توانست املاک خود را بهم متصل کند، لذا دستور داد لایحه ای به مجلس دوازدهم برده شود که املاک موقوفه را به فروش برساند» (مکی، ۵۳/۸).

رضاشاه در آخرین روزهای سلطنت خود، بالاخره موفق شد با عنایت به اقتدار مقطعی خود، قانونی را در ۹ماده و در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۰به تصویب مجلس فرمایشی خود برساند که بر اساس آن وزارت دارایی رسماً مجوز فروش موقوفه را دریافت کرد و مامور شد تا به آن مبادرت ورزد. به دنبال تصویب و توشیح این قانون تعداد زیادی از موقوفه های غنی کشور به تملک دربار درآمد. این تملک که ظاهری رسمی و قانونی داشت، ضربات سنگینی را

به فرهنگ وقف کشور وارد کرد. به دنبال این امر بود که فرهنگ وقف در میان مردم به شدت رنگ باخت. بیم تسلیم آنچه که تحت عنوان صدقه جاریه بود و سال‌ها منشا برکات معنوی جهان برای مومن مسلمان محسوب می‌شد، به حکومتی که اعتقاد چندانی به مبانی اسلام نداشت و بدنبال ریشه کنی و حذف آن فرهنگ از کشور بود، باعث شد که از رقم وقفنامه‌های جدید به شدت کاسته شود (همو، ۳۶). تنها بعد از تبعید او در شهریور ۱۳۲۰ بود که مجلس تصمیم به لغو آن گرفت و قانون مذکور در ۸ آبان ۱۳۲۰ رسماً لغو گردید (اداره تدوین و تنقیح قوانین، ۲۱).

بعد از رضاشاه سیر قوانین و مقررات اوقاف نیز همچنان ادامه پیدا کرد تا اینکه در سال ۱۳۲۸ اداره اوقاف شهرستان‌ها از مرکز جدا شد. تا سال ۱۳۲۸ ادارات اوقاف در مرکز و شهرستانها از فرهنگ جدا نشده بود به طوری که در مرکز یکی از ادارات داخل وزارتخانه، اداره کل اوقاف بود و در شهرستانها نیز ریاست فرهنگ و اوقاف به عهده یک تن بود و کارهای فرهنگ و اوقاف در یک اداره و با یک سازمان اداره می‌شد. چون به تدریج دامنه کارهای اختصاصی فرهنگ و اوقاف هر دو رو به ازدیاد گذارد و اجرای کارهای هر دو قسمت بوسیله یک تن انجام می‌گرفت، در عمل مواجه با اشکال گردید (شهابی، ۵۰).

در سال ۱۳۴۳ش به موجب قانونی مشتمل بر ۸ ماده و ۳ تبصره اداره کل اوقاف به سازمان اوقاف تبدیل گردید و چون در قانون تفکیک «وزارت فرهنگ و هنر، وزارت آموزش و پرورش و سازمان اوقاف» تشکیل شورای عالی اوقاف پیش بینی شده بود، لذا آئین نامه شورای عالی اوقاف در سال ۱۳۴۵ش تصویب گردید (ریاحی سامانی، ۳۵).

در جریان اصلاحات ارضی، املاک موقوفه نیز مورد نظر واقع شد و اوقاف عامه بعد از اوقاف خاصه مشمول قانون شد. در مورد املاک موقوفه عام با در نظر گرفتن منابع وقف به اجاره طویل‌المدت ۹۹ ساله به زارعین همان موقوفه، اجاره نقدی داده شد. اجاره بها هر ۵ سال یک مرتبه قابل تجدید نظر است (صادقی گلدر، ۱۰۱). اگر ملک وقف خاص باشد و طبق مقررات قانون مدنی مقتضی باشد که تبدیل به احسن گردد، ملک موقوفه از طرف دولت خریداری و بین زارعین تقسیم می‌شد و وجوه حاصله از فروش اینگونه املاک توسط متولی مال موقوفه به خرید مال دیگری اختصاص داده می‌شد (احمدی، ۲۴۶).

بعد از تاسیس اداره اوقاف شهرستان‌ها، این ادارات بودند که مسئولیت رسیدگی به

شکایات و درخواست های مردم در خصوص وقف و اراضی، مغازه و سایر موارد موقوفه را بر عهده گرفتند. در این صورت فرد شکایت را به اداره مذکور ارائه می کرد و اداره اوقاف آن شهرستان به آن رسیدگی می کرد.

تحلیل جداول توزیع نوع موقوفات مشهد در عصر پهلوی

موضوع وقف و مسایل مربوط به آن سابقه دیرینه در تاریخ شهر مشهد دارد. از وقف فئات سناباد که به وسیله امام رضا(ع) صورت گرفت تا دوره های بعد به اشکال مختلفی شامل اماکن مذهبی، مسکونی و تجاری، آموزشی، بهداشتی - درمانی و موسسات و بنیادهای خیریه ادامه یافته تا به دوره پهلوی رسیده است. موقوفات مشهد که عموماً به حرم حضرت رضا(ع) و رفاه زائران آن و مستمندان شهر مشهد، تعلق داشته، از همان زمان شهادت حضرت رضا(ع) و دفن ایشان در قریه سناباد نوغان توس جاری و ساری بوده است. قدیمترین موقوفه در مشهد که دارای وقفنامه است، متعلق به اوایل قرن نهم هجری، یعنی وقفنامه بانو گوهرشاد در تاریخ ۸۲۹ قمری است (امیرشیبانی، ۲). در زیر به موقوفات مشهد در دوره پهلوی پرداخته شده است و سعی شده است با یک نگاه تحلیلی بدان ها نگرسته شود.

این آمارها براساس اسناد موقوفات ارائه شده از سوی اداره کل اوقاف مشهد و آستان قدس استخراج شده است. در این قسمت سعی شده با دسته بندی موقوفات بر اساس نوع رقبه وقفی و نیت واقفان، تصویر بهتری از چگونگی پراکندگی رقبات و نوع مصرف موقوفات ارائه شود. در ادامه برای ارائه تصویر بهتری از چگونگی پراکندگی موقوفات، درصد این پراکندگی ها در نمودارهای دایره ای به تصویر کشیده شود.

در تحلیل این قسمت باید توجه داشت که ممکن است یک واقف چند رقبه را وقف کرده باشد و مصارف گوناگونی را هم برای آن در نظر گرفته باشد. برای تحلیل بهتر، هر تعداد رقبه که در هر وقفنامه آمده است، جزو آمار قرار داده شده است و تنها یک رقبه به یک واقف اختصاص داده نشده است. برای مثال موقوفات حاج حسین آقاملک که چندین رقبه می باشد و مصارف گوناگونی نیز برای هر کدام قرار داده، هر رقبه و هر مورد مصرف، یک مورد در نظر گرفته شده است. در مورد سایر موقوفات و مصارف آنها نیز، چنین روشی انجام شده است. محدوده بررسی موقوفات در این قسمت، مشهد در کل دوره پهلوی است. این محدوده

زمانی به دلیل تغییرات اجتماعی و اقتصادی، نوع نگرش حکومت به دین، روحانیون و پدیده های مذهبی از جمله وقف و تأثیری که بر روی آن داشت، مهم و قابل توجه است. برای تحلیل محتوایی موقوفات، به وقفنامه های اداره اوقاف و امور خیریه مشهد و اداره کل موقوفات آستان قدس استناد شده است. برای تحلیل بهتر انجام شود. در این دوره ۲۶۸ مورد وقف معیارهای مختلفی دسته بندی شدند تا کار تحلیل بهتر انجام شود. در این دوره ۲۶۸ مورد وقف صورت گرفته است. از این میان ۲۱۲ مورد مربوط به وقفنامه های اداره اوقاف، ۲۲ مورد مربوط به آستان قدس^۱ و از مجموع اسناد اداره اوقاف و آستان قدس ۳۴ مورد وقف توسط زنان^۲ صورت گرفته است. قابل ذکر است که هیچکدام از این آمارها و تحلیل ها در مرکز اسناد اداره اوقاف مشهد و اداره کل موقوفات آستان قدس وجود نداشت و یا اگر هم موجود بود، به علت حساسیتی که در زمینه موقوفات وجود دارد، در دسترس پژوهشگران قرار نمی گیرد. از این رو برای بررسی آنها به پرونده های موقوفات این دو نهاد مراجعه و این آمارها استنتاج شد.

برای تحلیل بهتر اطلاعات بدست آمده، موقوفات بر اساس نوع رقبه و نوع مصرف موقوفه تقسیم بندی شده است که جدول پراکندگی و توزیع آنها نیز آورده شده است. مشهد به دلیل قرار گرفتن حرم امام رضا(ع) در آن از اهمیت خاص مذهبی برخوردار بوده و همواره تمام سلسله ها در طول تاریخ نگاه ویژه ای به این شهر داشته اند و سعی می کردند در سیاست های خود به این جنبه توجه بیشتری نشان دهند. این نوع نگاه بر روی موقوفات نیز تأثیر مستقیم و غیر مستقیم داشته است. در زیر به تحلیل این موقوفات بر اساس نیت واقفین و نوع رقبه وقفی پرداخته شده است. به علت گستردگی شمار واقفان این دوره از ذکر نام واقفان، رقبه وقفی و سال وقف آنها در این مقاله صرف نظر شده است و برای آگاهی از این گونه اطلاعات بهتر است به پایان نامه اسدالله نیک مهر با عنوان "وقف در مشهد عصر پهلوی" مراجعه شود.

۱: همانطور که در مقدمه اشاره شد بخاطر حساسیتی که درباره موضوع وقف وجود دارد، مانند سوء استفاده از متن وقفنامه ها و جعل آنها، آستان قدس رضوی با استناد به نامه ای از مدیریت آستان قدس درباره موقوفات، نتوانستند وقفنامه ای را در دسترس نویسندگان قرار دهند. آنها بعد از نامه نگاریها و رایزنی های فراوان، فقط دفتر کلی موقوفات را در اختیار نویسنده قرار دادند که در این دفتر فقط ۲۲ مورد به موضوع مورد نظر یعنی بین سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ مربوط بود.

۲- موقوفات زنان در مشهد عصر پهلوی در یک مقاله جداگانه از همین نویسنده بررسی شده است که در مجله دانشگاه آزاد بجنورد در حال چاپ است.

الف- تحلیل موقوفات بر اساس نوع رقبات وقفی

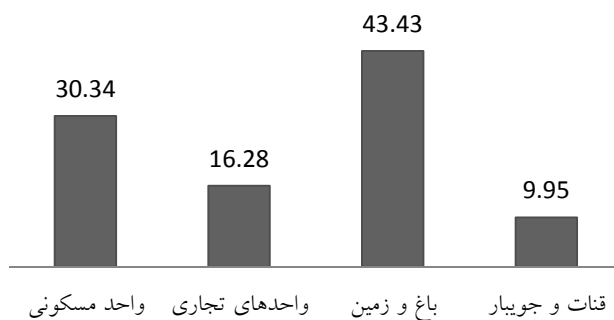
بنابر اطلاعات بدست آمده از پرونده های موقوفات شهر مشهد، در این دوره درصد بیشتر رقبه های وقفی را موقوفاتی از نوع باغ و زمین (شامل زمین از نوع کشاورزی و زمین برای خانه مسکونی و استفاده تجاری) به خود اختصاص داده است. طبق اسناد اداره اوقاف حدود ۴۳/۴۳ درصد از آمار کل موقوفات را باغ و زمین تشکیل می دهد.

جدول شماره ۱: توزیع رقبات وقفی در مشهد دوره پهلوی بر اساس آمارهای استخراج

شده از اسناد موقوفات اداره اوقاف مشهد

جمع کل	قنات و جویبار	باغ و زمین ^۳	تجاری ^۲	مسکونی ^۱	نوع رقبه	
					تعداد	پهلوی
۲۲۱	۲۲	۹۶	۳۶	۶۷		
۱۰۰	۹/۹۵	۴۳/۴۳	۲۸	۳۴	درصد	

رقبه مذهبی



بر اساس وقفنامه های آستان قدس نیز حدود ۵۱/۲۱ درصد به باغ و زمین اختصاص دارد.

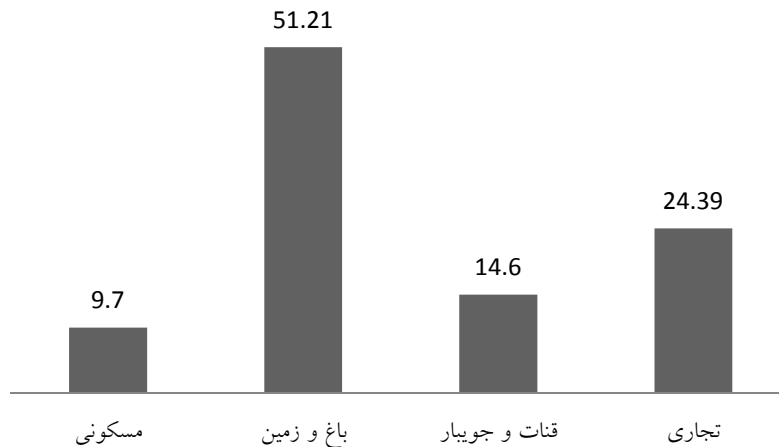
۱: خانه و منزل

۲: تجاری شامل: مغازه، کارگاه، کاروانسرا، تیمچه، بارانداز، کارخانه، و امثال آن.

۳: زمین از نوع، زمین کشاورزی و زمین برای خانه مسکونی و استفاده تجاری.

جدول شماره ۲: تعداد و چگونگی رقبات وقفی آستان قدس.

جمع کل	تجاری	قنات و جویبار	باغ و زمین	مسکونی	نوع رقبه	
					تعداد	پهلوی
۴۱	۱۰	۶	۲۱	۴		
۱۰۰	۲۴/۳۹	۱۴/۶۰	۵۱/۲۱	۹/۸	درصد	



این آمار نشان می‌دهد که در مشهد در این زمان، کشاورزی هنوز از اهمیت زیادی برخوردار است که درصد بیشتر رقبه هارا موقوفاتی از نوع باغ و زمین به خود اختصاص داده است. اگر به این مورد نیز توجه شود که حدود ۹/۹۵ درصد از کل آمار اداره اوقاف (جدول شماره ۱) و ۱۴/۶ از آستان قدس (جدول شماره ۲) به قنات، جویبار و حق آبه اختصاص دارد، اهمیت این موضوع بیشتر روشن می‌شود.

همانطور که گفته شد رضاشاه نسبت به تملک زمین و آب عطش سیری ناپذیری داشت. برخی از مردم برای اینکه زمین‌های آنان از تصرفشان خارج نشود، زمین خود را وقف و تولیت آنرا مادام‌العمر در خانواده خود حفظ می‌کردند. در این مورد رضاشاه توجه زیادی به

زمین های بزرگ مالکان داشت. یکی از آنها حاج حسین آقا ملک بود. وی در دوره رضاشاه از ترس غصب املاکش، تعدادی از زمین های خود در مشهد و سایر نقاط خراسان از جمله در کاشمر و تربت حیدریه را وقف کرد. وی تولیت موقوفه خود را تا زمان حیات در اختیار خودش و بعد از مرگ در اختیار دو تن از دخترانش قرار داد. البته در این چنین موارد نباید فقط بر روی موضوع ترس از غضب زمین توسط دولت تاکید کرد و باید نیت خیرخواهانه واقفان را نیز در نظر گرفت.

شاید بتوان یکی از دلایل دیگری که درباره این موضوع ذکر کرد، علاوه بر تصرف زمینها از سوی رضاشاه در دوره پهلوی اول، اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم باشد. در این دوره بسیاری از زمین های کشاورزی مشمول قانون اصلاحات ارضی شدند. کشاورزان و زمین داران برای فرار از دست این قانون و برای اینکه زمین های آنان از دستشان خارج نشود، زمین های خود را وقف کردند. در طی مراحل اصلاحات ارضی هر چند زمین های وقفی در ابتدا مشمول قانون اصلاحات ارضی نشد ولی این قوانین در مراحل بعدی زمین های وقفی را نیز دربر گرفت. البته این مورد نمی تواند تنها دلیل وقف باشد و نیت مذهبی واقفان هم بسیار تاثیر گذار بوده است (شجاع فتح آباد، ۴۳).

دومین نوع رقباتی که در این زمان بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است، موقوفات مسکونی و بعد تجاری هستند. موقوفات مسکونی اداره اوقاف ۳۰/۳۴ (جدول شماره ۱) و موقوفات مسکونی آستان قدس حدود ۹/۸ از کل موقوفات را در بر می گیرد (جدول شماره ۲). موقوفات مسکونی شامل منزل، آپارتمان و امثال آن است. با توجه به قرار گرفتن حرم مطهر امام رضا(ع) در مشهد، بعضی از واقفان مصارف موقوفه خود را به سکونت زائرین و مجاورین حرم مطهر که از شهرهای مختلف به قصد زیارت می آمدند، اختصاص داده اند. در بعضی موارد دیده می شود حتی منازل مسکونی جهت سکونت زائرینی که از یک شهر خاص می آمدند، اختصاص داده می شد. مثلا طبق اسناد موقوفات اداره اوقاف مشهد، حاج اسماعیل سرابیان در سال ۱۳۵۶ش یک باب منزل در کوچه نو مشهد را به سکونت زوار کرمانشاهی اختصاص داده است. هم چنین فردی به نام حاج شیخ احمد شاهرودی در سال ۱۳۳۶ش یک باب منزل در بخش یک مشهد را به سکونت زوار شاهرودی اختصاص داده است. این مورد از وقف جهت سکونت زوار در شهرهای زیارتی از جمله مشهد بیشتر از سایر مناطق دیده شده

است.

درصد رقبات تجاری نیز مانند رقبات مسکونی در این دوره زمانی قابل توجه است. موقوفات تجاری شامل مغازه، کارگاه، کاروانسرا، تیمچه، بارانداز، کارخانه و امثال آن است. حدود ۱۶/۲۸ درصد از موقوفات اداره اوقاف (جدول شماره ۱)، ۲۴/۳۹ درصد از موقوفات آستان قدس (جدول شماره ۲) در این دوره به رقبات تجاری اختصاص دارد. رقبات تجاری همیشه در طول تاریخ مورد توجه واقفان قرار داشته است، به گونه ای که در تهران دوره پهلوی رقبات تجاری با حدود ۵۸/۹ بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است.^۱ تعداد قابل توجه موقوفات تجاری در مشهد در این زمان نشان می‌دهد که تجارت در این شهر کماکان فعال بوده است. بیشترین تعداد رقبه وقفی در میان رقبات تجاری، شامل دکان و مغازه می‌شود. با توجه به موقعیت زیارتی مشهد و رفت و آمد زائران به این شهر، مغازه‌ها و دکان‌ها بیشترین فعالیت را در این زمان داشتند و متناسب با آن، واقفان به وقف این دو (مغازه و دکان) در میان سایر رقبات تجاری توجه بیشتری نشان دادند.

از طرف دیگر باید توجه داشت طی دهه ۴۰ و ۵۰ دگرگونی‌هایی در نیروهای اقتصادی و اجتماعی ایران رخ داد که باعث نزدیکی بازار و روحانیت شد. در این زمان سیاست‌های اقتصادی حکومت به عرصه بازار و تجارت نیز کشیده شد؛ سیاست‌هایی که اقتصاد ایران را وابسته می‌کرد. بازار سنتی که دیگر خود را از گود خارج می‌دید، با روحانیت همگرایی عمیقتری پیدا کرد. ساکنان و شاغلان بازار مشهد از یک سو به خاطر جو مذهبی بافت شهر و نزدیکی به حرم مطهر و از سوی دیگر این پیوستگی دیرینه بازار و روحانیت، بیشترین حضور را در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی بخصوص در زمینه وقف مغازه و دکان در جاهایی که کمبودهایی بود، انجام دادند (یوسفی، ۹۳).

ب- تحلیل موقوفات براساس نیت واقفان

وقف رقبه یا مجموعه‌های مذهبی عمدتاً در حول محور جهان بینی الهی، اعتقاد به ادامه زندگی در آن جهان و برای حفظ و استمرار معتقدات مذهبی دور می‌زند. موقوفات در مشهد

۱- بنگرید به: شاه حسینی، پروانه، (۱۳۷۵)، مقاله "وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره‌های قاجار و پهلوی"، میراث جاویدان، شماره ۴۲.

در این دوره به دو منظور کلی انجام شده است: حفظ، نشر و تبلیغ دین اسلام و رفع نیازهای مردم نیازمند. در هر صورت انسان معتقد به این عمل به ارزش های دینی خود ارج گذارده و دین خود را زنده نگه داشته است. وقتی که انسانی با توجه به معتقدات مذهبی، مکان آموزشی یا درمانی احداث و برای استفاده مستمندان جامعه خود موقوفاتی را قراردادده است و یا موقوفاتی برای ارتقای سطح معیشتی نیازمندان ایجاد کرده، در واقع با عینیت بخشیدن به اعتقادات خود در قالب فضاهایی در جامعه خویش علاوه بر ارتقای کیفیت سطح آموزش، درمان و معیشت مردمان جامعه خود، سعی بر سرفرازی دین و حیات ملموس آن در زندگی مردم دارد. نیت واقفان در این دوره بیشترگرایش به امور مذهبی (شامل عزاداری ائمه معصومین به خصوص امام حسین(ع)، تلاوت قرآن و اطعام، ساخت مسجد، تکیه و امثال آن) دارد. از کل آمار موقوفات اداره اوقاف مشهد حدود ۴۲/۵۳ به عزاداری ائمه، ۱۳/۰۵ به مسجد و تکیه و ۲۰/۵۲ به تلاوت قرآن و اطعام، تعلق دارد که در مجموع درصدی حدود ۷۶/۱ به امور مذهبی اختصاص داده شده است. (جدول شماره ۳).

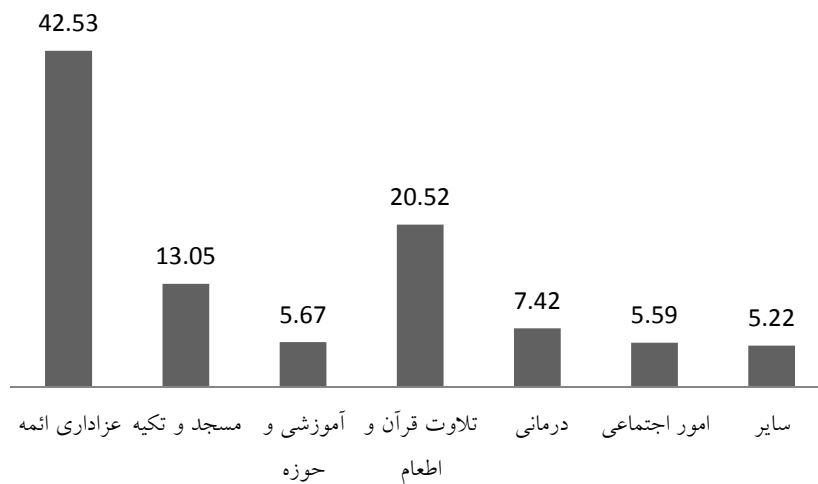
جدول شماره ۳: توزیع و نیت واقفان مشهد بر اساس اسناد اداره اوقاف

پهلوی	تعداد	نوع مصرف رقیه		عزاداری ائمه	مسجد و تکیه	تلاوت قرآن و اطعام	آموزشی و حوزه علمیه	درمانی و بهداشتی ^۱	امور اجتماعی ^۲	سایر ^۳	جمع کل
	۱۱۴	۳۵	۵۵	۱۴	۲۱	۱۵	۱۴	۲۶۸	۱۴	۱۰۰	
	درصد	۴۲/۵۳	۲۰/۵۲	۵/۶۷	۷/۴۲	۵/۵۹	۵/۶۷	۱۰۰	۵/۲۲	۱۰۰	

۱: درمانی: درمانگاه و بیمارستان.

۲: اموری مانند کمک به مستمندان، استفاده عموم، سکونت زوار امام رضا(ع)، تعمیرات حمام، مسافرخانه، سوخت زمستان فقرا، تعمیرات پل و امثال آن.

۳: مانند مسافرخانه، موارد ذکر نشده، مجهول التولیه، احداث خانقاه، نگهداری قبر واقف و امثال آن.



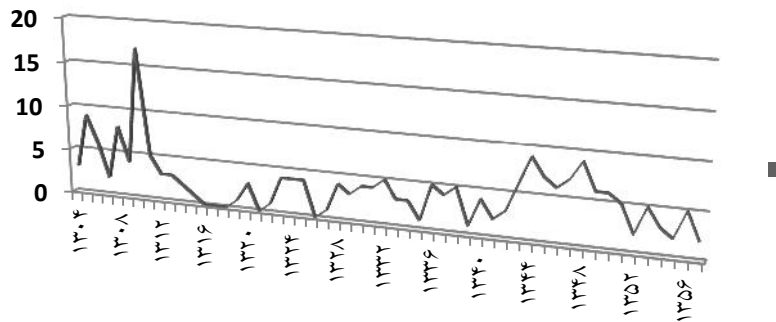
در این دوره علیرغم سیاست های ضد مذهبی (مانند منع عزاداری سیدالشهدا و سایر ائمه) بخصوص در دوره پهلوی اول، ولی باز طبق آمار، مصرف بیشتر موقوفات سمت و سوی مذهبی دارد. بر طبق آمار بیشترین موقوفه در بین سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ مشاهده شده است. میزان گسترده موقوفات در این زمان حاکی از اعتقادات مذهبی محکم مردم و علاقه کمک به هموطنان است. در این سالها که رضاشاه هوای مدرنیزاسیون در سر داشت، هنوز سیاست های مذهب ستیزانه خود چون کشف حجاب و منع سوگواری برای امام حسین(ع) را آشکار نکرده بود، اما کمتر به مذهب و موسسات مذهبی توجه داشت.

اما در عین حال برطبق اسناد موقوفات اداره اوقاف، علیرغم شروع مدرنیزاسیون در جامعه ایران و به تبع آن در مشهد در این زمان، بیشترین مورد وقف را در دوران رضاشاه و در سال ۱۳۱۰ دیده می شود. در این سال ۱۷ مورد وقف صورت گرفته است که در تمام دوران پهلوی در مشهد بی نظیر است. این نشان می دهد که علیرغم سیاست های نوگرایی رضاشاه ولی باز جامعه به سنت های دینی و فرهنگی خود وفادار است و مسائل مذهبی را در اولویت قرار داده است. جالب آنکه در همین دوره رضاشاه که بیشترین مورد وقف مشاهده شد، کمترین مورد

وقف نیز در این دوره دیده می‌شود.

طبق آمار بدست آمده از اداره اوقاف مشهد از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۲۰ش تنها دو مورد وقف دیده می‌شود و طی سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ش، هیچ مورد وقفی صورت نگرفته است (نمودار شماره ۱). شاید دلیلش این باشد که در این سالها سیاست‌های اسلام‌ستیزانه رژیم کاملاً علنی و خشن شده و از جمله در طی این سالها رضاشاه قوانین گوناگونی را در جهت غصب موقوفات تصویب کرده و به راههای گوناگون زمین‌های مردم از جمله زمین‌های وقفی را از دست مردم خارج کرده بود که اوج اینکار در سال ۱۳۲۰ و قانون فروش موقوفات بود. هرچند این قانون بیش از شش ماه دوام نیاورد ولی در همین مدت کوتاه زمین‌های زیادی از حالت وقف خارج یا تغییر کاربری داده شد؛ به همین دلیل بود که مردم در این مدت به دولت اعتماد زیادی نداشتند و زمین‌های خود را وقف نمی‌کردند زیرا می‌دیدند که زمین‌های وقفی نیز غصب می‌شود. این بی‌اعتمادی تا آخر دوران رضاشاه ادامه داشت. از طرف دیگر رضاشاه با ایجاد موسسات مذهبی جدید مثل موسسه وعظ و خطابه سعی در محدود کردن فعالیت‌های مستقل مذهبی داشت. این اقدامات با توجه به مذهبی بودن شهر مشهد قابل توجه است. مردم ثروتمند چون می‌دیدند که دولت به مذهب توجه نمی‌کند و حتی سعی در محدود کردن آن دارد، خود اقدام به وقف و رفع نیازهای مردم در جهت مسائل مذهبی کردند. به قول باستانی پاریزی: «وقف در اینجا مانند یک نوع بیمه اجتماعی عمل می‌کند».^۱ از طرف دیگر با ممنوعیت عزاداری امام حسین(ع) در این زمان، بیشتر موقوفات به سمت عزاداری سیدالشهدا(ع) گرایش دارد و سیاست‌های حکومت نتوانسته مردم را محدود کند. می‌توان گفت که موقوفات متناسب با نیازهای جامعه بوجود می‌آیند؛ هر وقت دولت سعی در محدود کردن عقاید و آداب و رسوم مذهبی جامعه داشت، این مردم بودند که متناسب با نیاز جامعه سعی در جبران این کم و کاستی می‌کردند.

۱: باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ۷۳.



نمودار شماره ۱: آمار موقوفات مشهد در دوره پهلوی بر اساس اسناد اداره اوقاف وامورخیریه مشهد (بر اساس پراکندگی سال)

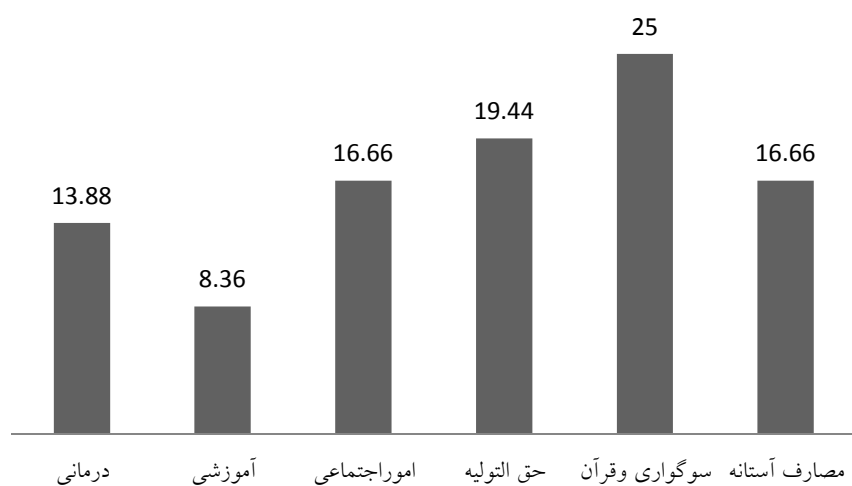
بعد از شهریور ۱۳۲۰ مراسم مذهبی که اجرای آن با مخالفت رضاشاه مواجه شده بود، با شور و شوق فراوان به اجرا در آمد. منصوری آورده است: «پس از سال ۱۳۲۰ روضه خوانی آزاد شد. اولین محرم در منزل آشیخ محمدتقی بجنوردی انجام گرفت. زمستان بود و مجلس در جلوی حیاط کوچک منزل آشیخ بدون آنکه حتی چادری زده باشند، برقرار شد» (منصوری، ۳۳).

سقوط رضاشاه به نحوی هم در روند گسترش موقوفات تاثیر داشت. به گونه ای که یک سال بعد از شهریور ۱۳۲۰ روند پیگیری موقوفات از سر گرفته شد و در سال ۱۳۲۱ سه مورد وقف مشاهده شده است که نشان از بازگشت مردم به اعتقادات مذهبی سابق دارد. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، رشد موقوفات در جریان اصلاحات ارضی است. اگر فاصله بین سال های ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۳ در نظر گرفته شود، موقوفات باز در طی این سال ها رشد یافته است. در طی مراحل مختلف اصلاحات ارضی که زمین های زیادی به کشاورزان داده شد، به زور گرفتن زمین ها و تقسیم آنها باعث گسترش زمین های وقفی شد؛ بطوری که این رشد در جداول پراکندگی موقوفات نشان داده شده است. این کار باعث شد که بسیاری از مردم از ترس زمین های خود را وقف کنند.

مسئله دیگری که در تقسیم بندی نیت واقفان باید به آن توجه کرد، عنایت به موسسات درمانی است. در دوره پهلوی با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی و گسترش جمعیت شهرها از جمله شهر مشهد^۲ و آشنایی با طب جدید، توجه واقفان به احداث و وقف مراکز درمانی مانند درمانگاه و بیمارستان بیشتر معطوف شد. حدود ۷/۴۲ درصد از موقوفات اداره اوقاف (جدول شماره ۳) و حدود ۱۳/۸۸ درصد از موقوفه های آستان قدس (جدول شماره ۴) به موسسات درمانی و بیمارستان ها اختصاص داشته است.

جدول شماره ۴: توزیع نیت واقفان مشهد دوره پهلوی بر اساس اسناد آستان قدس

نوع مصرف رقبه	درمانی	آموزشی	امور اجتماعی	حق التولیه	عزاداری و تلاوت قرآنی	مصارف آستان قدس	جمع کل	پهلوی	
								تعداد	درصد
	۵	۳	۶	۷	۹	۶	۳۶		
	۱۳/۸۸	۸/۳۶	۱۶/۶۶	۱۹/۴۴	۲۵	۱۶/۶۶	۱۰۰		



۲: جمعیت مشهد از ۵۴ هزار نفر در سال ۱۲۷۰ به ۱۷۶۴۷۱ نفر در سال ۱۳۱۹ ش رسید (رهنما، ۲۲).

اختصاص دادن مصرف موقوفه به این نوع، به گونه ای مسئله جدیدی است که در دوره قبل کمتر به آن توجه شده است. علاوه بر بیمارستان شاهرضا (امام رضای کنونی) که از موقوفات آستان قدس در این زمان تاسیس شد، بیمارستان هایی دیگر مانند بیمارستان منتصریه و جوادالائمه که در خیابان طبرسی قرار دارد، قابل ذکر است. در این بیمارستان ها از جمله بیمارستان شاهرضا (امام رضای کنونی) از جدیدترین فناوری ها، پزشکان و متخصصان استفاده می شد. در این دوره از مجموع واقفان اداره اوقاف و آستان قدس ۲۶ مورد از وقفنامه ها مصارف خود را به موسسات درمانی اختصاص داده اند. فردی مانند احترام السلطنه قهرمان، مصرف موقوفه را به قسمت زنان بیمارستان منتصریه، علی اکبر دبیر سهرابی در سال ۱۳۱۳ و احمد محمود هاشمی در سال ۱۳۴۸، مصرف موقوفه خود را به بخش زایشگاه های بیمارستان امام رضا (ع) و جوادالائمه (ع) قرار داده اند که نشان از ریزبینی واقف در امور اجتماعی و مسائل مربوط به زنان دارد (نیک مهر، ۲۳۳).

علاوه بر توجه به موسسات درمانی در این دوره، واقفان به تاسیس مکان ها و بنیادهای خیریه برای نگهداری کودکان بی سرپرست (مانند عبدالله رضوی)، تاسیس مرکزی برای جذامیان، قرار دادن مصرف موقوفه برای هزینه های زایشگاه و موسسات خیریه دیگری مانند موسسه خیریه انصارالحجه یا موسسه خیریه مرتضوی مشهد، اقدام کردند که این نوع وقف ها در دوره های قبل کمتر دیده شده است. تاسیس این چنین بنیادهایی تاثیر بسزایی در شکوفایی شهر مشهد در این دوره داشته است. تاسیس بنیادهای خیریه برای نگهداری کودکان باعث تربیت مناسب کودکان بی سرپرست می شد. قرار دادن مصرف موقوفه در جهت زایشگاه، نشان از ریزبینی واقف در امور اجتماعی و مسائل مربوط به زنان دارد.

از طرف دیگر خود آستان قدس نیز در زمینه امورات اجتماعی از محل موقوفات، اقدامات زیادی انجام داد. یکی از این موارد تاسیس جذامیخانه بود. مبتلایان به جذام از سایر بلاد به قصد ارتزاق و استشفاء به مشهد روی می آوردند و به گدایی و عملگی می پرداختند، واقفان در این دوره با این تصور که جذام بیماری مسری و خطرناک است و برای اینکه زوار و مجاورین نیز از این خطر مصون باشند و هم چنین برای اینکه افراد مبتلا به این بیماری آواره و درمانده نمانند، آنها را از داخل شهر جمع آوری و در جذامیخانه جای دادند (موتمن، ۴۱۲).

نیات آموزشی در این دوره از انحصار مدارس علوم دینی درآمد و حوزه های غیر علمیه را

نیز دربرگرفت. یکی از دلایلی می‌تواند ورود مدرنیته و رواج افکار جدید در مورد آموزش و علوم جدید و دلیل دیگر رکود حوزه های علمیه مشهد در زمان رضاشاه باشد که واقفان نمی‌توانستند رقبه ای را وقف حوزه های علمیه کنند و اگر رقبه ای هم وقف می‌شد باز با توجه به محدود بودن فعالیت های حوزوی بخصوص در دوره پهلوی اول، موقوفه کارایی چندانی نداشت. در صورتی که در دوره های قبل آموزش بیشتر محدود به حوزه های علمیه بود و بیشتر موقوفات آموزشی هم در این محدوده دور می‌زد، ولی در دوره پهلوی با توجه به تحولات آموزشی و علمی که در جامعه رخ داد، توجه واقفان به سمت مدارس غیر حوزوی نیز کشیده شد. مدارس جدیدی در این زمان در مشهد تاسیس شد که واقفان نیز در جهت حمایت از آنها و کودکان مستمند در این زمینه فعالیت خود را شروع کردند.

از تعداد کل موقوفات اداره اوقاف ۱۴ مورد و حدود ۵/۶۷ درصد (جدول شماره ۳)، از موقوفات آستان قدس ۳ مورد و حدود ۸/۶۳ درصد (جدول شماره ۴)، به امور آموزشی اختصاص داده شده است. در این زمان مدارس و دبیرستان های دخترانه و پسرانه در مشهد مانند دبیرستان قریشی، دبیرستان فردوسی و دبیرستان شاهرضا تاسیس شد که واقفان متناسب با نیاز جامعه توجه به مسئله آموزش کودکان نیازمند را فراموش نکردند و تعدادی از آنها مصرف رقبه خود را در این زمینه قرار دادند. حتی در این دوره فردی به نام علی اصغر عابدزاده مدارسی به نام های چهارده معصوم بنا کرد که از گسترش روند آموزش در این زمان حکایت دارد (نیک مهر، ۲۲۸).

در این دوره به سایر امور اجتماعی نیز توجه شد که در دسته بندی های بالا نمی‌گنجد. این امور از قبیل تعمیر حمام، ساخت پل، سکونت و کمک به زوار امام رضا (ع) و امثال آن را در برمی‌گیرد. در میان موقوفات اداره اوقاف ۵/۵۹ درصد (جدول شماره ۳) و در میان موقوفات آستان قدس ۱۶/۶۶ درصد (جدول شماره ۴) به امور اجتماعی اختصاص داده شده است. این امور نشان می‌دهد که واقفان فقط به امور مذهبی، آموزشی و درمانی توجه نداشته و به سایر امور اجتماعی هم توجه می‌کردند. مسائلی از قبیل ساخت حمام و اختصاص دادن مصرف رقبه به حمام توجه واقف به مسائل بهداشتی را نشان می‌دهد. از کل اسناد موقوفات در این زمان ۱۶ مورد یا وقف حمام بوده یا مصرف رقبه وقفی به مخارج حمام اختصاص داده شده است. در این دوره حتی دراویش و صوفیان هم موقوفاتی از خود به جای گذاشتند. آنها واقفانی

بودند که مصرف موقوفه خود را مخصوص فقرای نعمت الّهی و خاکساریه کردند. واقفان بیشتر افرادی بودند که به نوعی با این درویش رابطه داشتند یا خود از سران این درویش محسوب می‌شدند. در آمارهای بدست آمده دو مورد وقف در رابطه با درویش نعمت الّهی و یک مورد مربوط به درویش خاکساریه است. این آمار از یک طرف نشان از فعالیت این گروه ها در مشهد دوره پهلوی دارد و از طرف دیگر نشان می‌دهد فرهنگ عمومی وقف که در جامعه رواج داشته باعث شده صوفیان و درویش نیز به مسئله وقف توجه کنند (نیک مهر، ۲۳۴).

نکته مهم دیگری که در تمام این وقفنامه ها به چشم می‌خورد، تنوع واقفان در دوره مورد بحث است. طبق وقفنامه های دوره پهلوی در مشهد، واقفان از گروه ها و طبقات مختلف اجتماعی اقدام به وقف اموال خود کرده اند. از فردی به نام حاج غلامعلی توانایی که ده قطعه فرش را وقف کرده گرفته تا حاج حسین آقا ملک یا عبدالله رضوی که بسیاری از اموال و دارایی خود را وقف کرده اند. از یک فرد معمولی گرفته تا فردی مانند بانو احترام السلطنه قهرمان که از طبقه بالای اجتماعی بود، اقدام به وقف نمودند. به هر حال در مواردی که متولیان و ناظران وقف، با احساس مسئولیت از موقوفات حراست و نگهداری می‌نمودند و نیت واقفان به دست فراموشی سپرده نمی‌شد، افراد جامعه از هر طبقه با اعتماد بیشتری به وقف اموال خود در زمینه های مختلف می‌پرداختند.

در اکثر وقفنامه های این دوره، تولیت موقوفه در ابتدا مادام العمر با خود واقف است و بعد تولیت به اولاد ذکور یا فرزندان یا یکی از اعضای خانواده یا اقوام رسیده است. در مواردی تولیت موقوفه بعد از مرگ واقف، با فرزندان یا یکی از اعضای خانواده نیست، بلکه واقف تولیت را به اعلی علمای مشهد یا متولی آستان قدس و در مواردی بسیار اندک تولیت را برعهده اداره اوقاف گذاشته است. شاید در تحلیل آن بتوان چنین گفت که در این دوره به دلیل غصب و فروش بسیاری از موقوفات، مردم اعتمادی به دولت و نهادهای وابسته به آن از جمله اداره اوقاف نداشتند و تولیت را در خانواده یا اقوام خود نگه می‌داشتند.

در این دوره شاه به عنوان متولی اصلی، فردی را از طرف خود با اختیارات تام با عنوان نایب التولیه امور آستان قدس منصوب می‌کرد. وی برای دخالت در امور آستان قدس آزادی کامل داشت و تمام منابع آستانه نیز در دسترس وی بود. در وقفنامه های اداره اوقاف موارد

بسیار اندکی دیده شده است که واقف تولیت را بر عهده متولی آستان قدس گذاشته باشند. بیشتر آنها تولیت را در ابتدا با خود و بعد از خود به یکی از فرزندان ذکور یا یکی از علمای شهر واگذار می‌کردند. اگر در مشهد آن روز افرادی مانند فتح الله پاکروان در دوره پهلوی اول یا عبدالعظیم ولیان در دوره پهلوی دوم را به عنوان نایب التولیه در آستان قدس در نظر بگیریم، شاید بشود به این واقفان حق داد؛ پاکروان که در زمان استانداری خود رقابت زیادی با محمدولی خان اسدی (اولین نایب التولیه آستان قدس در دوره پهلوی) داشت، بعد از توطئه چینی علیه او توانست نایب التولیه آستان قدس بشود. وی در زمان نیابت خود بسیاری از طلاها و جواهرات آستانه را برای خوش خدمتی به نزد رضاشاه فرستاد (سوزنجی، ۲۵۴).

از طرف دیگر به فردی مانند ولیان (نایب التولیه و استاندار) که با حالت مستی در حرم وارد می‌شد،^۳ نیز نمی‌شد اعتماد کرد. در اینگونه موارد در زمان چنین متولیانی وقف کمتر صورت می‌گرفته است اما نباید از این نکته غافل شد در این دوره، در مقام نایب التولیه افراد مومن و مذهبی مانند جلال الدین تهرانی و دکتر معتمدی نیز بوده اند که حتی خود نیز موقوفاتی به آستان قدس داشته اند که همین عامل نیز باعث توجه بیشتر مردم به وقف در مورد آستان قدس می‌شد.^۴ به هر حال یک واقف با در نظر گرفتن چنین شرایطی تولیت موقوفه خود را بعد از مرگ انتخاب می‌کرد.

نتیجه‌گیری

روند وقف در عصر پهلوی مانند دوره های قبل ادامه داشته است. این نهاد در دوره پهلوی تحولاتی را به خود دیده است که تا حدودی بر سیر کمیت و کیفیت موقوفات تاثیر داشته است. طبق اسناد اداره اوقاف و دفتر موقوفات آستان قدس، در مجموع دوره پهلوی در مشهد ۲۶۸ مورد وقف صورت گرفته است که از این میان ۲۱۲ مورد وقف توسط مردان و ۳۴ مورد وقف بانوان است و فقط شمار موقوفاتی که به آستان قدس تعلق داشته در این برهه زمانی ۲۲ مورد را به خود اختصاص داده است.

با توجه به اینکه دولت در این زمان سلطه خود را بر موسسات و امور مذهبی کاملاً

۳: در اسناد بدست آمده از ساواک که وزارت اطلاعات آنها را منتشر کرده است، سند آن آورده شده است (رجال عصر پهلوی، ۴۴۸).

۴: در زمینه موقوفات و اقدامات سیدجلال الدین تهرانی در مورد آستان قدس: رک: نیک مهر، اسدالله، وقف در مشهد عصر پهلوی، ص ۱۶۳.

گسترده بود، بیشتر واقفان این دوره وقف خود را به امور مذهبی اختصاص داده اند؛ بطوری که حدود ۷۶/۱ درصد از این موقوفات به امور مختلف مذهبی گرایش دارد که این نشان می‌دهد که هرچند در دوره پهلوی اقداماتی علیه مذهب و امور مذهبی انجام می‌گرفت ولی بر اعتقادات مذهبی مردم تاثیر زیادی نداشت. بیشترین رقبه وقفی در این زمان شامل باغ، زمین، قنات و جویبار است. در کنار آن رقبات تجاری به دلیل پیوند بازار با مذهب و روحانیت درصد زیادی را به خود اختصاص داده است. رقباتی هم که مخصوص امور بهداشتی و درمانی و آموزشی بود، در این دوره به دلیل پیشرفت های علمی و اجتماعی نسبت به دوره های قبل افزایش داشته است.

منابع

- احمدی، اشرف، *ایران در گذشته و حال*، بی نا، بی جا، ۱۳۵۰.
- اداره تدوین و تنقیح قوانین و مقررات*، انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، تهران، ۱۳۸۰.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *سیاست و اقتصاد در عصر صفوی*، چاپخانه صفی علیشاه، تهران، ۱۳۵۷.
- بصیرت منش، حمید، *مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران*، انتشارات بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.
- رهنما، محمد رحیم، *شناسایی و وجه تسمیه معابر، محلات، و اماکن عمومی و بافت قدیم شهر مشهد*، انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین المللی شهرداری مشهد با همکاری انتشارات سخن گستر، مشهد، ۱۳۹۰.
- ریاحی سامانی، نادر، *وقف و سیر تحولات قانونگذاری در موقوفات*، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۸.
- شاه حسینی، پروانه، *وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره های قاجار و پهلوی*، *مجله تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۲۴، ۱۳۷۵.
- شجاع فتح آبادی، مهدی، *بررسی نقش اراضی وقفی در توسعه فیزیکی شهر مشهد* (مطالعه موردی، اراضی آبکوه)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- شهابی، علی اکبر، *تاریخچه وقف در اسلام*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۳.
- صادقی گلدر، احمد، *مقدمه ای بر فرهنگ وقف*، انتشارات بنیاد پژوهش و توسعه، تهران، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (عقود معین)*، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.

منصوری، پروین، *تاریخ شفاهی کانون نشر حقایق اسلامی*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.

مرکز بررسی تاریخی وزارت اطلاعات، *رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک* (عبدالعظیم ولیان)، انتشارات وزارت اطلاعات. تهران، ۱۳۷۹.

موتمن، علی، راهنما یا توصیف دربار ولایت‌مدار رضوی، انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران، مشهد، ۱۳۴۸.

نوائیان رودسری، جواد، «مدرنیسم و مشکل جدید وقف»، ویژه نامه تحلیلی دفتر پژوهش فرهنگی هنری خراسان، انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان با مشارکت اداره اوقاف خراسان، شماره ۱۸، ۱۳۹۰، صص ۳۷-۳۷.

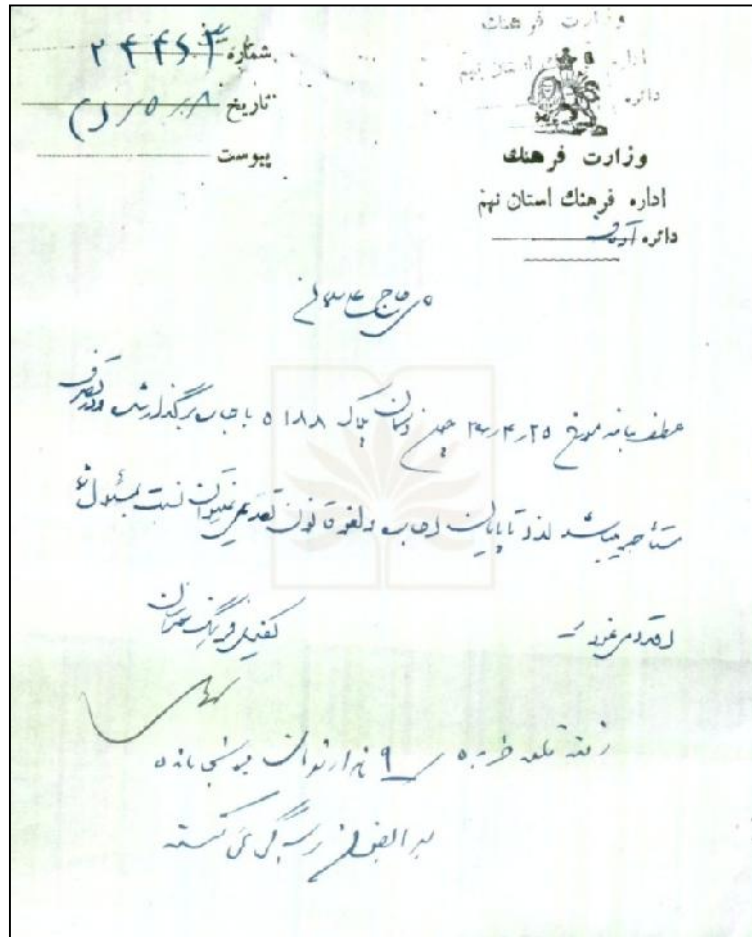
نیک مهر، اسدالله، وقف در مشهد عصر پهلوی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، ۱۳۹۱.

وقفنامه های اداره اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی، اداره اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی، مشهد مقدس.

وقفنامه های اداره موقوفات آستان قدس رضوی، سازمان مرکزی آستان قدس، اداره امور موقوفات آستان قدس رضوی.

یوسفی، سکینه، ویژه نامه نقش اصناف در انقلاب اسلامی (بازار مشهد).

مشهد در انقلاب اسلامی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۸۹.



سند شماره: ۲۴۴۶۳.

موضوع: شکایت حاج علی سلمانی راجع به دکاکین وقفی

منبع: مجموعه اسناد کتابخانه ملی و مرکز اسناد تهران